

## گزارش مختصری از سفر ایران

ریحانه خاتون\*

کافرید این سپهر بوقلمون	آن خداوند قادر بی‌چون
صد هزاران شمس با اقمار	کرد در چرخ نیلگون دوار
منطق و گوش و هوش و بینش داد	آنکه جان آفرید و دانش داد
تا دهد فرق خیر را از شر	عقل را کرد رهنمای بشر
رحم و انصاف را نهاد اساس	بهر الفت میان فرقه ناس
به‌تمامی بود مطابق عقل	آنچه از قول انبیا شده نقل
دانش و فضل زیب و آرایش	رحم و عدل است اصل آسایش

(آقای دانش)

چون شنیدم که من برای مسافرت به ایران انتخاب شده‌ام. خیلی خوشحال شدم و موافقت خودم را برای رفتن به ایران و شرکت در کلاس دوره بازآموزی اعلام کردم. آن خبر مژده‌ای برای روح و جانم بود، در درونم از شرکت در این نوع مراسم آسایشی احساس می‌کردم، زیرا ایران کشوری با نظام جمهوری اسلامی است و سینه من برای مذهب حق و برای اسلام واقعی که هیچ تردیدی در آن نیست، گشوده شده است، سراسر وجودم را سرور و غروری از نعمت حضور در ایران که خداوند تعالی به من داشت فراگرفته بود: **وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ** (نعمت پروردگارت را بازگو کن):

سرزمین هند با ایران یکی ست	بین ما ما و تویی در کار نیست
ما به گلبرگی دو قطره شب‌نیم	در صفا و یکدلی مثل همیم
شاعر هندی زبانش پارسی ست	وز صفای هند شعر ما غنی ست

---

\* استاد فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

فیضی و صائب کنار یکدیگر      شعر این قند است و زان دیگر شکر  
 خسرو از هند است و سعدی زین دیار      نیست اما در میان فرقی به کار  
 تا زبان پارسی پیوند ماست      بی گمان حرف از جدایی‌ها خطاست  
 هند و ایران تا ابد پاینده‌باد      هم‌زبان پارسی‌مان زنده‌باد  
 (عبّاس خیرآبادی)

من تشکر می‌کنم زیرا: من لم یشکر الناس لم یشکر الله (آن‌ها که شکر گزار مردم نیستند شکرگزار خدا هم نیستند) که دولت ایران ما را تشویق می‌کند و به ما قوت می‌دهد و در هند هر سال برای ما از طرف خانه فرهنگ دوره بازآموزی دو هفته تشکیل می‌دهد و اساتید برجسته از ایران برای درس دادن تشریف می‌آورند و اگرچه این دوره در فصل و هوای گرم تابستان در ماه مه و ژوئن برگزار می‌شود، آن‌ها تحمل این سختی‌ها را می‌کنند، و همین‌طور دوره بازآموزی در ایران تشکیل می‌دهد و خیلی زحمت می‌کشد. سال گذشته این دوره بازآموزی برای یک ماه در تهران برگزار شده بود و در آن دوره فقط اساتید و دانشجویان هندی شرکت کرده بودند. در ضمن سپاس می‌گویم که امسال این دوره بازآموزی چهار ماهه فراگیری زبان و ادبیات که در محوطه دانشگاه اصفهان برگزار شده بود برای من بسیار سودمند و جالب بوده است و در دوران اقامت چهار ماهه در اصفهان، من از همه استادان، دانشمندان، هنرمندان با سواد و برجسته زبان و ادبیات فارسی بیش از پیش استفاده کرده‌ام، از همه استادان و از همه درس‌ها که خوانده‌ام راضی هستم و اطمینان کامل دارم که حسب توفیق رُشد و پیشرفت کرده و در تلاش و کاوش خودم موفق شده‌ام، مخصوصاً با زبان محاوره‌ای و مکالمه امروزه آشنایی بیشتر پیدا کردم، تعارفات ایران را یاد گرفتم، از تاریخ ایران قبل از اسلام، بعد از اسلام، دوره مشروطیت، تاریخ قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، ادبیات معاصر و ادبیات بعد از انقلاب، شعرنو، «غزل‌های حافظ»، «گلستان» و «بوستان سعدی»، «مثنوی مولانا روم»، «عرفان و تصوف»، داستان رستم و سهراب فردوسی، دستور زبان، مکالمه و نگارش، روش گفتار فارسی، «کلیده و دمنه»، «تاریخ بیهقی»، اقتصاد اسلام و تاریخ هنر معماری، نیز از هنرهای ایرانی مانند خوشنویسی، موسیقی، نقاشی، و غیره بهره‌افز برده‌ام و اطلاعات با ارزش به هم رسانده‌ام. این دوره برای من از هر لحاظ با موفقیت بوده است. برنامه‌ها فوق‌العاده خوب

بودند. دیدار از نمایشگاه‌های آثار هنری، موزه‌ها، مساجد و آثار باستانی و تاریخی و مؤسسات فرهنگی - از جمله دفتر نشر آثار حضرت امام - و آشنایی نزدیک با هنرمندان بزرگ اصفهان ما را خیلی خوشحال کرد. از دیدار بسیاری از مراجع و استادان محترم که قبلاً با برخی از آن‌ها آشنایی داشتم و برخی را نیز در همین مسافرت شناختم، لذت بردم و استفاده کردم:

بار دیگر به صفاهان اگرچشم افتد سازم از خاک رهش سرمه بینایی خویش  
 من قبل از آمدن به ایران درباره ایران و حضرت امام خمینی<sup>ع</sup> بسیار خوانده و شنیده  
 بودم، اما با رفتنم این حس را کردم که این روزها تمام سخن و اندیشه مردم، امام  
 خمینی<sup>ع</sup> است که وارد پاریس شده بود و از آن جا ملت ایران را رهبری می‌کرد و تمام  
 مردم ایران به دستور او عمل می‌کردند. شخصیت امام خمینی<sup>ع</sup> این طور بود که چون امام  
 قدس سره ایران را به پیروزی رسانید میلیون‌ها مسلمان در شرق و غرب جهان به او لبیک  
 گفتند، خداوندا جمهوری اسلامی ایران را همچون مشعل فروزان در تاریکی‌ها نگهدار:

ای امام عالی مقام ای رهبر مسلم‌نواز عالم اسلام را هستی متاع فخر و ناز  
 انقلابی روح‌پرور در همه ایران زمین با پیام خود نمودی آشکار ای سرفراز  
 (دکتر غلام مجتبی انصاری، بهار- هند)

در مدت اقامت چهار ماهه در اصفهان، ریاست محترم دانشگاه اصفهان، همه استادان،  
 مسئولین اجرای برنامه و خانواده‌های شان و دیگر افراد به من این قدر اظهار شفقت و  
 محبت نموده‌اند که من هیچ وقت احساس غربت و دوری از وطن نکردم، واقعاً آن شفقت  
 بزرگانه و محبت برادرانه و انسیت خواهرانه را هرگز فراموش نخواهم کرد و  
 زحمت‌هایی که برای من کشیده‌اند فراموش نشدنی است زیرا آن احساسات لطیف و آن  
 یادهای عمیق بر صفحه ذهن من ثبت شده است و هیچ وقت و هیچ موقع فراموش نخواهد  
 شد:

وطن و خانه ما خطه ایران باشد خاک ایران همه چون روضه رضوان باشد  
 تا که در پیکر ما غیرت با جان باشد خانه خود نگذاریم که ویران باشد  
 نمی‌دانم که چگونه از خاطرات این مسافرت سخن بگویم، زیرا احساسات من  
 نمی‌تواند با زبان ظاهر بشود. من در استان خوزستان، علاوه بر آثار باستانی شوش، هفت

تپه، دزفول و شوشتر، دیدار از آثار جنگ تحمیلی، بازسازی‌ها و عظمت کارهای قهرمانانه رزمندگان اسلام را به‌ویژه در نزدیکی پل فاو ملاحظه کردم. در استان لرستان معاون محترم استاندار ما را همراهی کردند و ریاست دانشگاه شوشتر آقای موسوی که روحانی بودند پذیرایی صمیمانه‌ای به‌عمل آوردند. در دیدار از استان فارس و آثار باستانی شیراز، فیروزآباد، تنگ چوگان، شهر شاپور، شهرگور، قلعه دختر، آثار نیاکان مردم این مرز و بوم مرا شگفت زده کرده بود، و تماس تلفنی دانشجویان با کشورهای خود در یک ده دور افتاده به‌هنگام صعود از کوه برای دیدن مجسمه شاهپور، عظمت کارهای انجام شده در جمهوری اسلامی ایران مرا به‌حیرت افکند که چگونه مردم روستاهای دور افتاده پس از انقلاب دارای امکانات رفاهی شده‌اند. حضور مدیر کل میراث فرهنگی در مراسم روز ملی هند که در دانشگاه شیراز توسط دانشجویان هندی برپا شده بود برای من موجب سرافرازی بود. بازدید از آثار باستانی کاشان مرا خیلی خوشحال کرده، زیارت از اماکن مقدسه از قبیل حرم حضرت شاه چراغ و دیگر امام‌زاده‌ها در طول مسافرت‌های من خاطراتی فراموش‌نشده داشت. زیارت بارگاه امام هشتم حضرت رضا علیه‌السلام و زیارت قدمگاه آن حضرت نیز مرا وادار کرد که هرچه می‌توانم افتخار کنم و سپاسگزار باشم:

بہتر از جنت اعلاست قدمگاه رضا      خوشتر از سایه طوبی‌ست قدمگاه رضا  
برد از خاطرہ‌ها معجز موسای کلیم      برتر از معجز عیسی‌ست قدمگاه رضا

همین‌طور از زیارت مقبره فردوسی در طوس و خیام و عطار و امام‌زاده محروق و کمال‌الملک در نیشابور خیلی خوشحال شدم، پس از بازگشت به اصفهان از پذیرایی صمیمانه معاون ریاست دانشگاه اصفهان خیلی لذت بردم. واقعاً زبان من قاصر است که برساند چقدر خوشحال هستم و چقدر استفاده کرده‌ام. زادگاه و خانه پدر حضرت امام خمینی<sup>ع</sup> را نیز در خمین زیارت کردم و در راه برگشت از خمین به اصفهان بازدید غار قشنگی به نام غارخال نخچی مرا به‌حیرت افکند و از شرکت در مراسم روز عاشورا در ایبانه خیلی لذت بردم. از رسم و آیین مردم ایبانه برای خواستگاری و ازدواج واقف شدم که واقعاً خیلی جالب است:

خدایا بہ خورشید گیتی فروز      بہ پرتو فشانش در نیمروز

به‌ماه و به‌بازی‌گری‌های ماه  
 به‌هنگام شب راه راز و نیاز  
 به‌صبح درخشان که بخشد امید  
 به‌بحر معلق به‌سطح زمین  
 به‌جان و خداوند جان آفرین  
 به‌روح ادیبان این مرز و بوم  
 پیام خرد، سر دل، راز عشق  
 به‌نظم و به‌نثر دری گفته‌اند  
 به‌ایمان فردوسی پاک زاد  
 به‌زهد نظامی جادو سخن  
 به‌عرفان پُرمایهٔ مولوی  
 به‌پیغام پیر نصیحت گزار  
 به‌عشقی که حافظ ازو نام یافت  
 جهان را سراسر ز لفظ دری  
 فزون کن به‌عالم شکرخند را  
 سخن‌پروران را همی یار باش

که تاریک و روشن کند بزم راه  
 که ره سوی مستور یارست باز  
 ز دل تیرگی‌ها کند ناپدید  
 به‌پروردگار هم آن و هم این  
 حکیم سخن در زبان آفرین  
 که از حد چین تا به‌اقصای روم  
 نشان‌های شهرود و آواز عشق  
 گل لفظ را بس نکو سفته‌اند  
 که دل را به‌مه‌ر علی کرد شاد  
 سخندان پرورده پیر کهن  
 نوابخش نی با دم عیسوی  
 ادیب سخن سعدی نامدار  
 به‌دوری که از گردشش جام یافت  
 عطا کن نشاط زبان آوری  
 روایی ده این پارسی قند را  
 تو خود فارسی را نگهدار باش  
 (از سخنرانی آقای دکتر حبیبی)

من بسیار خوشحال هستم که این موفقیت پُرازش برای من فراهم شد که در مدت چهار ماه در خدمت استادان دانشگاه اصفهان و در هوای خوش و در کنار زاینده رود اصفهان بودم و از صحبت استادان استفاده کردم. لازم می‌دانم مراتب امتنان خودم را از وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران و دانشگاه اصفهان ابراز نمایم و اظهار سپاس‌گزاری کنم از آقای کریمیان رایزن فرهنگی سابق جمهوری اسلامی ایران در هند که امکان این فرصت را برای من فراهم آوردند که به‌ایران بروم و از دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های ایران استفاده کنم از زحمات و عنایات مسئولین خودمان هم ممنونم. از اساتید و دانشمندان ارجمندی که به‌ما درس دادند و با وجود گرفتاری زیاد برای ما زحمت کشیدند و با صمیم قلب به‌ما کمک کردند سپاسگزار هستم.

حافظ به اصفهان رفته بود و چون به شیراز برگشت بعد از چند مدّت، چنان هوای اصفهان کرد که در فراق اصفهان غزلی گفت که احساسات مرا نیز حکایت می‌کند:

روز وصل دوستداران یاد باد      یاد باد آن روزگاران یاد باد  
 این زمان در کس وفاداری نماند      زان وفاداران و یاران یاد باد  
 کامم از تلخی غم چون ز هر گشت      بانگ نوش شاد خواران یاد باد  
 من که در تدبیر غم بیچاره‌ام      چاره آن غم‌گساران یاد باد  
 گرچه یاران فارغانند از یاد من      از من ایشان را هزاران یاد باد  
 مبتلا گشتم درین دام بلا      کوشش آن حق گزاران یاد باد  
 گرچه صد رود است از چشمم روان      زنده رود و باغ کاران یاد باد  
 راز حافظ بعد ازین ناگفته ماند      ای دریغ آن رازداران یاد باد

و در آخر سلامی به کشور ایران با این آرزو اهداء می‌کنم که ان‌شاءالله بار دیگر هم به ایران خواهیم رفت:

### سلام ای مرز ایران

به جلوه‌گاه تو با خواهش دیدار می‌آیم  
 سلام ای مرز ایران، در تو دیگر بار می‌آیم  
 گلم در دیده تو یا که هستم خوار، با کی نیست  
 عزیزم هرچه پنداری مرا، پندار، می‌آیم  
 به هرگامی که نزدیکت رسم شوقم فزون گردد  
 مکن عیبم اگر سوی تو مجنون وار می‌آیم  
 به دنیا هست اگر جنت نباشد جز تو ای ایران  
 بغل بگشا که در جنت سبک رفتار می‌آیم  
 منم بلبل که دارم نغمه‌ها در هر چمن، اکنون  
 ز صحن باغ هندستان، به این گلزار می‌آیم  
 تهی دستم ولی جنس گرامی دارم از بهرت  
 بیایم سویت و با تحفه اشعار می‌آیم  
 ندانم جنس کاسد یا متاعی پُر بها هستم  
 ز کنعان تا به مصر از بهر این بازار می‌آیم

ولی سوز درون را می‌دهم شکل نوا اکنون

و با آن نغمه‌های گرم و آتش بار می‌آیم

(پروفسور محمد ولی الحق انصاری، دانشگاه لکهنو)

امیدوارم که همیشه لطف خدا شامل حال من باشد و مرا راهنمایی کند و علاقه و

عشق مرا با زبان و ادبیات فارسی نگه‌دارد. مجدداً اظهار تشکر می‌نمایم و قول می‌دهم که

تا جان در تن هست در خدمت زبان و ادب فارسی خواهم بود.